





# عمران و نوسازی گستردگی در شمال شرق مشهد



#### پیادمان پاشکوه برای شهیدای گمنام

براساس شیوه‌نامه‌های شهرداری و استانداری، قرار شد برای مزار همه شهدای گمنام یک یادمان ساخته شود. از مدتی قبل گروه‌های جهادی که برای برگزاری برنامه‌های عمومی مردمی تلاش هایی انجام داده بودند، شاکری بودند که هیچ محلی برای برگزاری مراسم نداریم. این شد که دو ایده ترکیبی و مشترک را اجرای کردیم که هم یادمان فارخی برای شهدای گمنام باشد و هم محلی برای تجمع‌ها و مراسم مردمی. کار طراحی شد و اسفندماه سال گذشته قرارداد راهنمایی کردیم. کار اکنون بیش از ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. سازه‌های نیز یکی‌یکی در حال نصب در محل آنده و عده ماتحولی کار به مردم تا پایان سال است. مساحت این پروژه ۳ هزار و ۵۰۰ متر است. قرار است این پروژه یک ساله تمام شود و برآوردهای مانیز ۵ میلیارد تومان است.



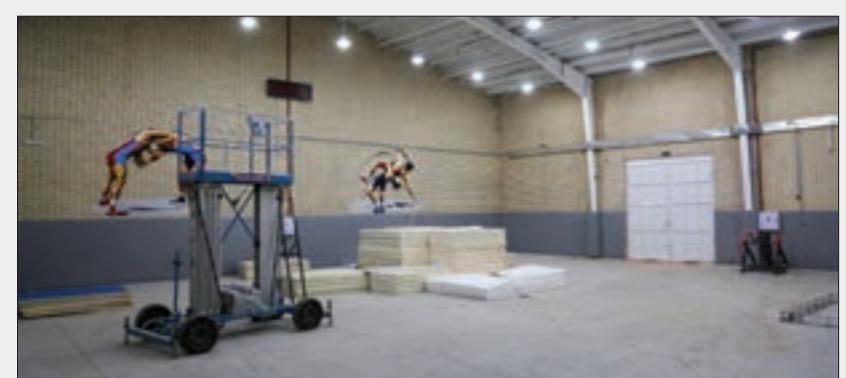
## کanal آب‌های سطحی، سامان‌دهی یک معصل قدیمی

مشکل زیادی برای جمع‌آوری آب‌های سطحی داشتیم. همه آب‌های سطحی که از سی متری طلاب و خیابان شهید علیمردانی به سمت کوچه شهیدسلیمی روانه می‌شد، در انتهای محدوده‌ای نزدیک کمریندی جمع می‌شد. برای این مهم کانال‌هایی طراحی و پروژه‌ای با قراردادی کلان مد نظر قرار گرفت و تاکار به اتمام برسد. ۶۰ میلیارد تومان هزینه‌یه به دنبال خواهد داشت. قطر لوله‌ها ۱۲۰ میلی متر است و حجم ظیعی آب از طریق این لوله‌ها عبور می‌کند ووارد کشفرود خواهد شد. تا پایان فصل تابستان نیز این پروژه به اتمام خواهد رسید تا در فصل بارندگی مشکل آب‌های سطحی نداشته باشیم. در اجرای این پروژه بکی از مشکلات، تأسیسات شرکت‌های خدماتی است که در سپیر اجرای پروژه قرار دارد و برای جایه جایی متریه مترابن تأسیسات باید با شرکت‌های یادشده هماهنگ کنیم تا این تأسیسات راهه جایی دیگر منتقل نکنند؛ در غیراین صورت کار روی زمین می‌ماند. فکرش را بکید، از روزی که نامه‌نگاری را آغاز می‌کنیم تا یک انشعاب در مسیر جایه جا شود، پانزده تایستیست روز زمان می‌برد. ما کار را از اسفند آغاز کرده‌یم و همان طور که اعلام کردم تا انتهای تابستان آمده بهره‌برداری است.



سالن کشتی ویژه برای کشف استعدادها

روزی که قرار بود کار ساخت سالن کشتنی بوکانی را آغاز کنیم، کار با درخواست شورای اجتماعی محله پنجه تن بود. در برآورد اولیه هم ۳ میلیارد تومان اعتبار شورای اجتماعی محله از محل بروزه های زودبازد ه بود. اما کار را بسیار وسیع تر و کامل تر در نظر گرفتیم؛ اینکه فقط ساخت یک سالن کشتنی معمولی مطرح نباشد، سالن بدنسازی، دوش و همه امکانات مسابقات رسمی راهنم اضافه کردیم، به اضافه دو تشكیل کشتنی. مجموعه ای باشکوه و زیبای تدارک دیدیم و برای این مهم ۴۰ میلیارد تومان هزینه شده و قرار است به زودی با حضور رئیس فدراسیون کشتنی، استاندار خراسان رضوی و شهردار مشهد، کار به بهره برداری رسمی برسد.



**پارک بانوان پیشست، یک مجموعه تمام عیار**

در منازل مجاور این پارک، اشراف به داخل پارک زیاد بود و بانوانی که برای ورزش مراجعته می‌کردند، همواره از این مسئله شاکی بودند که امکان استفاده از پارک و ورزش را ندارند. در پارک بانوان هم از داخل پارک بهشت بود و بانوان باید پارک را در می‌زدند و سپس وارد پارک می‌شدند. در حالی که پارک را منازل مسکونی احاطه کرده بود، درخواست بانوان هم این بود که محل در پارک بانوان تغییر کند. در ابتدا دیواری بلند برای اطراف بوستان طراحی کردیم؛ ضمن اینکه برای بانوان نیز سالن ورزشی با مساحت ۲ هزار متر طراحی کردیم که در ان امکان استفاده از ورزش‌های تنفسی، تیراندازی و هنر ورزشی که برای بانوان مفید باشد وجود دارد. سالان ویژه همایش‌های شورای اجتماعی محلات هم در این مجموعه ساخته می‌شود. تا قبل از آغاز عملیات عمرانی و تا زمان عید نوروز؛ از این مکان برای اسکان زائران استفاده می‌شد اما بعد از فوردهی تخریب و خاکبرداری آغاز شد. پروژه مادر اینجا یک برنامه تمام عیار و با هیچ‌کرد صدمیلیارد تومانی خواهد بود. کار نیز دو ساله باید تمام شود.



بومستان: شب زانه، بسچ ب اع، زانهان، منطقه ۴

برای پارک بانوان ۵،۱ هکتار از دل بستان بسیج (در بزرگراه با بنابران) را در نظر گرفتیم تا بستان در خور و شاسته‌ای برای بانوان بانوان این منطقه ایجاد شود. یک بستان با مکاناتی نظیر کافی شاب، آتاق مادر و کودک، روزش... همه ناشی پیمانکار بر این است که کارد تابستان آمده و تحويل شود. متأسفانه کار با پیمانکار قبلي قدی طولانی شد و به مشکل برخوردیم و یک سال پروژه تعطیل شد. جا دارد همین حاصل مردم منطقه عذرخواهی کنم اما از انتهای سال گذشته بیمانکار عوض شد و همه زیرساخت‌های ایجاد شده‌است. زمان تغییر پیمانکار ایجاد شده است. بعد از افتتاح خانه کشتنی هم قرار است این پروژه را به بهره‌برداری برسانیم. در مجموع ۳۰ میلیارد برای این پروژه هزینه خواهد شد. برق، آب و معابر داخلی به اتمام رسیده است. دو ساختمان دیگر در حال ساخت هم که به انتهای سال تمام است.



#### گود کشته، شربید با انتظار برای مسابقه و احتمام

این گود قدمت زیادی در منطقه ۴ دارد و در روزهای جمعه و اعیاد، محل حضور و مسابقات است؛ مسابقات کشتی با چوخه و پهلوانی که بسیار مورداً قابل هم هستند. در این پروژه نیز تلاش کردیم علاوه بر مسقف کردن گود کشتی، محل دائمی دیگری نیز برای برگزاری مراسم مردم در این منطقه داشته باشیم. در جغرافیای این بخش شهر هیچ سالن و محل تجمع مناسبی وجود نداشت. این شد که با اعتبار ۶۷ میلیارد تومان قرار است علاوه بر ایجاد بزرخی زیرساخت‌ها، این مکان نیز مسقف شود تا در آیام مسابقات، علاقه‌مندان حضور داشته باشند و در سایر ایام مکان مناسبی برای پوشش اجتماعها و مراسم مردمی باشد. کار را ز بهمن سال ۱۴۰۳ آغاز کردیم و در آذرماه امسال آن را تقدیم مردم می‌کنیم. کل ورزش‌هایی هم که قابل استفاده باشند، این مجموعه بگرا خواهند شد.



یکی از اتفاقات مطلوب که در دوره اخیر مدیریت شهری رقم زده شد، افزایش چشمگیر اعتبارات عمرانی در مناطق حاشیه شهر و کم برخوردار است. در این میان اعتبارات عمرانی منطقه ۴ که در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۵ میلیارد تومان بود، آکنون به ۶۰ میلیارد تومان رسیده است. عملیات عمرانی گستردگی در این منطقه در حال انجام است. در ابتدای دوره فعلی مدیریت شهری، درخواست غالب اهالی محلات این منطقه بهسازی جوی و جدول و پیاده روسازی بود. در یکی دو سال اخیر نیز اعتباراتی برای این موضوع ساماندهی شد. کانال های بزرگ انتقال آب ساخته شد. با رفع این مشکلات، رفتارهای نیازهای مردم هم تغییر کرد و مطالبات درستی درباره پروژه های بزرگ تر مطرح شد. بعد از افتتاح استخر شهید قربانی که تکمیل آن چند سال روی زمین مانده بود، ساخت یک سالن ویژه کشتی در این منطقه آغاز شد تا استعدادهای ویژه این منطقه شناسایی شوند و در مسیر رشد قرار گیرند. در همین راستا و با حضور محسن نعیمی مقدم، شهردار منطقه ۴، ضمن بازدید از پروژه های مهم این منطقه، درباره کم و کیف اجرای این پروژه ها به گی و گفت نشستیم.





၁၁၁

۱۴ شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۴  
۱۸ مهر ۱۴۷۶  
[SHAHRARANEWS.IR](http://SHAHRARANEWS.IR)

## ۲ شطرنج باز آقادار اردوی تیم ملی

دو شرطنج باز آغاز استان خراسان رضوی به اردی ۹۷ تیم ملی شطرنج دعوت شدند. بالاعلام فدراسیون شطرنج جمهوری اسلامی ایران و بر اساس نتایج رقابت‌های قهرمانی کشور سال ۹۶-۹۷، نام منتخبان دعوت شده به اردی ۹۷ تیم ملی مشخص شد که در این میان نام دو شرطنج باز آغاز استان خراسان رضوی نیز دیده می‌شود. فرشاد فرمانی و آرین متین دو شرطنج باز خراسانی حاضر در این اردو خواهند بود. خراسان رضوی در بخش باشون هم شش نماینده دارد تا بدین ترتیب، با حضور هشت نماینده، پس از استان‌های تهران و گیلان، بیشترین تعداد شرطنج باز دعوت شده به اردی ۹۷ تیم ملی را به خود اختصاص داده باشد.



سنگرaban مشهدی تیم لیگ یکی بی تیم شد

## جدایی ناصری از شهر راز

سنگران سی و دو ساله مشهدی از تیمیش جدا شد. محمد ناصری، دروازه‌بان فصل قبل تیم لیگ یک شهر را، طی توافق با مدیران این باشگاه، از این تیم جدا شد. ناصری که سال‌ها سابقه حضور در فوتبال مشهد و بازی برای پدیده و سیاه جامگان رادرکارنامه دارد، در آستانه شروع فصل جدید مسابقات بی تیم شد.

۵ برش از ۲۰ ماه حضور پیشگست فوتبال مشهد در معاونت باشگاه پرسپولیس

# از لذت قهرمانی تا خصلت هواداری!



اسماعیلی فرمصر می دانستند و به صراحت  
دروزگاه علیه آن ها شعا، مردادند.

روایت‌های تلخ از ماجراهی گاریدو  
روزی که گاریدو به پرسپولیس پیوست، کارنامه اش  
دهان همه را بسته بود؛ به شکلی که هیچ‌کس  
نمی‌توانست از این مسئله منقادی کند. اما رفته‌رفته  
و با نتیجه نگرفتن اور چند بازی، مقتداناً بادامکی  
دست به کار شدند تا ناکامی پرسپولیس در آن مقطع از  
فصل را گردن بادامکی بیندازند. حسین بادامکی در  
آن مقطع جلسه‌ای با گاریدو برگزار کرد که روایت‌های  
گوناگونی از آن به بیرون درز کرد؛ روایت‌هایی که بعضی  
همراه با شایعات نادرست بود و همین معاونت ورزشی  
باشگاه پرسپولیس را بد جور عصبانی کرد. گروهی  
می‌گفتند بادامکی از گاریدو خواسته است تا خودش  
استغفار دهد. گروهی، دیگر مدعی، بودند او اولتیماتوم

باشگاه را به مریب اسپانیایی داده است و گروهی هم بر این باور بودند که بادامکی از گارابیدو خواسته است با قوت به کارش ادامه دهد؛ درحالی که معاونت ورزشی باشگاه پرسپولیس همان موقع در مصاحبه‌ای همه این ادعاهارا درود از واقعیت دانست و بالحنی تند گفت؛ کجای دنیا بایک باخت و تساوی مریب عوض می‌کنند؟!

نقل و انتقالات پای بادامکی! 

پس از رفتن گاریدو، همان هاکه می گفتند گاریدونتیجه انتخاب بد کادر مدیریتی پرسپولیس از جمله بادامکی است، پرچم اختراض به دست گرفتند که چرا انتخاب سرمربی بعدی پرسپولیس به تأخیر افتاده است. بادامکی در آن مقطع مصاحبه ای کرد و در اقدامی حرفاای بابت این مسئله از هواداران عذرخواهی کرد. این عذرخواهی، منتقدان را جری ترکد تا هواداران را بیش از پیش علیه او بشوراند. از طرفی، هواداران بادامکی و دیگر مدیران پرسپولیس، را در، رفت، ترا و

## مرتفصی اخوان

از انتصاب تا اولین حاشیه‌ها  
حسین بادامکی بیست و نهم مهر سال ۱۴۰۲ به سمت سرپرستی معاونت باشگاه پرسپولیس منصوب شد؛  
تحصیلی که برای او اتفاقی مبارک در راستای راه یافتن به باشگاه محبوب دوران بازی اش بود. بادامکی پیش ازینکه وارد کادر مدیریتی ارتش سرخ پایتخت شود،  
وران مدیریتش را با ریاست هیئت فوتبال مشهد آغاز نمود، اما انتصاب او برایش حاشیه‌های زیادی داشت.  
اعیانی قدرمند رسانه‌ای تهران علیه بادامکی موضع نظرفت و بسیاری از پیشکسوتان پرسپولیس از اینکه که فرد شهرستانی در باشگاه بزرگ پایتخت به جای نهاده باشد گرفته است، ناراحت شدند. شاید به همین ملت بود که از همان روزهای اول تلاش‌های پشت پرده روانی شدت تا بادامکی را درروی هوا دران قرار دهنده.

三  
十  
三  
三  
十  
三

# سمرتبی مشهدی تیم ملی راگبی بانوان از برنامه پیش روی ملی پوشان می گوید تلاش راگبی بازان برای تکرار تاریخ سازی

1

 iQIYI

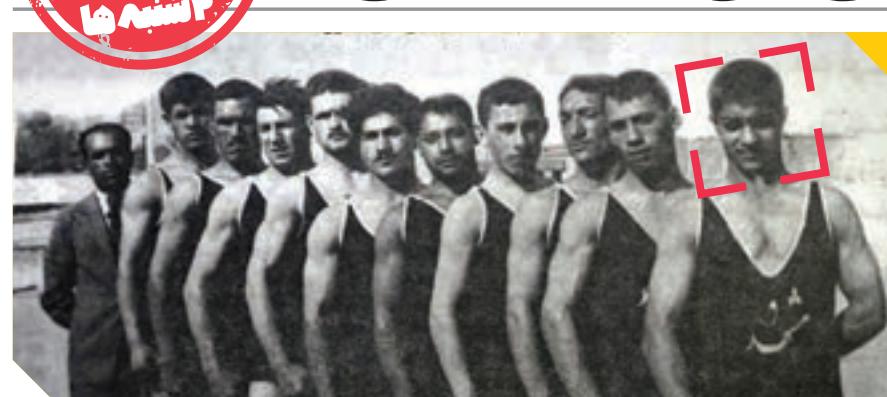
سنجaban مشهدی در تیم اصفهانی ماندنی شد

در واژه‌بان تیم فوتبال ذوب آهن از ادامه حضور در این تیم ابراز خرسنده کرد و گفت که با پیراهن ذوب آهن به جایگاه امروزش رسیده است. پارس جعفری در باره تمدید قراردادش با ذوب آهن اظهار کرد: من چند سالاً خوب را در این تیم بیشتر سرگذاشتم و دوست نداشتم جدا شوم. پیراهن این تیم برایم بالرزش است و با همین پیراهن در فوتبال به جایگاه امروز رسیده‌ام. حالاً هم خوش حالم که قراردادم را تمدید کرده‌ام. چند پیشنهاد داشتم، ولی درنهایت تصمیم به ماندن گرفتم. این پنجمین سالی است که قرار است برای ذوب آهن بازی کنم و امیدوارم همه مادر کنار هم فصل خوبی را رقم بزنیم. سنگربان تیم فوتبال ذوب آهن درباره انتخاب قاسی حدادی فربه عنوان سرمربی این تیم، آن هم درحالی که سابقه سرمربیگری در هیچ تیمی را نداشته است، یادآورد شد: محروم نویدی کاهم چنین موقعیت داشت، ولی وارد عرصه مربیگری شد و مورد حمایت هم قرار گرفت. حدادی فربه‌پیشنهای روش در فوتبال ایران دارد و باید از او حمایت شود وی ادامه داد: مربیان جوان برای موفقیت انگیزه زیادی دارند و همه باید کمک کنیم تا آنها بتوانند نتیجه بگیرند. من به موفقیت ذوب آهن هدایت کنند تا بتوانیم فصل خوبی را رقم بزنیم.



درباره اسد جعفر پان، پیشکسوت کشتی استان خراسان رضوی

# پھلوانی روی دایرہ طلايی



قدمت ورزش نوین در خراسان به اواخر قرن ۱۹ خورشیدی برمی‌گردد. در حدود ۱۲۰۰ میلادی که از اولین نشانه‌های بروز ورزش‌های نوین در مشهد می‌گذرد، صدھا ورزشکار در رشته‌های مختلف افتخارآفرینی کرده‌اند. نام هایی که برخی از آن‌ها نه تنها در تاریخ ورزش خراسان، بلکه در پنهان ورزش ایران ماندگار شده‌اند. آنچه در ادامه می‌خوانید، معرفی یکی از این صدھا بزرگ ورزش خراسان است که به همت و تلاش ستودنی حسن باغبان در چهار جلد کتاب ارزشمند دایرهالمعارف نامداران ورزش خراسان گردآوری می‌گردد.

سفند سال ۱۳۵۱ در کوچه آقا شاه محله سر شور مشهد متولد شد. دبستان رادر این یمین و دبیرستان رادر فردوسی پشت سر گذاشت. سال ۱۳۶۰ زندگی مشترکش را فوتیال، والیبال و بسکتبال فعالیت داشت؛ سپس به آغاز کرد که حاصل آن چهار فرزند (یک دختر و سه پسر) است. از دوران دبیرستان ورزش را آغاز کرد و در میدانی فوتبال، والیبال و بسکتبال فعالیت داشت.

اتحاد کل با ستاره ایرانی  
چهارساله است

## محمودی گزینه تراکتورش

۲

۱

۰

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۷

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳

۱۱۴

۱۱۵

۱۱۶

۱۱۷

۱۱۸

۱۱۹

۱۲۰

۱۲۱

۱۲۲

۱۲۳

۱۲۴

۱۲۵

۱۲۶

۱۲۷

۱۲۸

۱۲۹

۱۳۰

۱۳۱

۱۳۲

۱۳۳

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

۱۳۸

۱۳۹

۱۴۰

۱۴۱

۱۴۲

۱۴۳

۱۴۴

۱۴۵

۱۴۶

۱۴۷

۱۴۸

۱۴۹

۱۵۰

۱۵۱

۱۵۲

۱۵۳

۱۵۴

۱۵۵

۱۵۶

۱۵۷

۱۵۸

۱۵۹

۱۶۰

۱۶۱

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

۱۶۵

۱۶۶

۱۶۷

۱۶۸

۱۶۹

۱۷۰

۱۷۱

۱۷۲

۱۷۳

۱۷۴

۱۷۵

۱۷۶

۱۷۷

۱۷۸

۱۷۹

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

۱۸۳

۱۸۴

۱۸۵

۱۸۶

۱۸۷

۱۸۸

۱۸۹

۱۹۰

۱۹۱

۱۹۲

۱۹۳

۱۹۴

۱۹۵

۱۹۶

۱۹۷

۱۹۸

۱۹۹

۲۰۰

۲۰۱

۲۰۲

۲۰۳

۲۰۴

۲۰۵

۲۰۶

۲۰۷

۲۰۸

۲۰۹

۲۱۰

۲۱۱

۲۱۲

۲۱۳

**نمی خواستم این اتفاق‌ها بیفتد، دیوانه شده بودم**

کارگر یک گلخانه که کارفرمای بیش را به ظن ارتباط با همسرش کشته بود، صحنه قتل را بازسازی کرد



ابوعطا جواد محمد

گزارش

جسده را جابه کردم  
حجت ادامه داد: وقتی افتاد، چند ضربه دیگر هم  
به سرش زدم. اصلاح متوجه نمی شدم. پنج ضربه زدم؛  
ولی او چیزی نمی گفت. خدای امراز سنتگین بود  
و به سختی اورا توی فرغون انداختم و به انتهای  
باغ بردم و بین راه به او گفتم: « حاج احمد چقدر  
سنگینی؟ اورا به آخر باغ بردم که مقدار زیادی پارچه  
و پلاستیک آنجا روی هم بود. وقتی اورا انداختم،  
فرغون زیرش گیر کرد؛ همین که خواستم فرغون  
را بیرون بکشم، بخشی از آن شکست. بعد در حالی که  
هنوز خرخر می کرد، وسایل زیادی روی او ریختم.  
داشتم فرغون را درست می کردم که ابوالفضل  
آمد و پرسید: « اینجا چه کار می کنی؟ » به او گفتم  
که فرغون شکسته و داشتم درستش می کرم  
و ساعت ۴ عصر هم زمان آبیاری باغ است، باید با هم  
برویم و از آنجا دور شدیم.

متنهم در پاسخ به اینکه « آیا پیشیمانی؟ »، پاسخ داد:  
من سه تا دختر دارم و نمی خواستم این اتفاق ها  
بیفتد. اصلاح کرشن رانکرده بودم، اما وقتی زنم را در آن  
شرایط دیدم، دیوانه شدم و نفهمیدم چه می کنم.  
با دستور قاضی صفری در حالی بازسازی صحنه  
جنایت تمام شد که پیش از این فرزندان مقتول علت  
اختلاف میان حجت و پدرشان را سرفت کالاهای  
انبار گلخانه از سوی این کارگر اعلام کرده بودند؛  
تا جایی که مقتول قصد داشته است آن ها از گلخانه  
بیرون کنند.

از ترس همسرم متعجب بودم  
جت. ۵) «نیز در حالی برابر دوربین قوه قضائیه  
تاد که مدعی شد از چندی پیش متوجه  
س های بدون منشا همسرش شده است.  
پاسخ به سؤالات بازپرس جنایی مدعی شد:  
بیستم اسفند اینجا مدمیم، بعد از مدتی متوجه  
س های همسرم شدم و می دیدم که تنها یکی  
انه خارج نمی شود و چفتی پشت در راه و قوت  
نمی انداخت تا کسی نتواند وارد شود. هر  
ت هم می پرسیدم علت کارهایش چیست،  
که نمی گفت. بعد ما متوجه علت این کارهایش  
متهم به قتل درباره روز حادثه نیز اعلام کرد:  
بود که داشتیم گل های کاکتوس را به حیاط  
خودمان انتقال می دادیم که بیاند و ببرند.  
انه بیرون آمد و گفتم می روم گلخانه که الهام  
امان آمد. فصل توت بود و من ردیف درخت های  
را پیش گرفتم و همان طور که توت می خوردم،  
لرف انتهای را با غرفه و الهام به گلخانه رفت.  
رفتمن فن هارا روشن کردم که صدای جیغ الهام  
نییدم. و دیدم آمد در رودی گلخانه، دیدم  
همسرم را رگرفته و وضعیت مناسبی ندارد. یک میله  
را زیر گاری می گذاشتیم، کنار دستم بود.  
بارداشتم و همان طور که فحش می دادم،  
نمیشان رفتم و اولین ضربه را به سرش زدم  
وی زمین افتاد.

می داد که بیا کار دارم، ولی من نمی رفتم. احمد آقا مرتب مأمور می آورد که باید خانه را خالی کنید و بهانه اش این بود که حجت درست کار نمی کند؛ ولی کلا هدفش چیز دیگری بود و می گفت: «حجت برود سرگذر برای کار و تو خودت اینجا کار کن.» زن جوان هرچند برای این اظهارات هیچ شاهد و مدرکی نداشت، مدعی شد که مقتول دوباره اودست درازی کرده است و در این خصوص ادعا کرد: یک بار جمعه بود که پسرانش درون باع بودند. او در رورودی گلخانه مزاحمم شد و چون می ترسیدم حجت بفهمد و بلایی سرش بیاورد، جیغ نکشیدم و چیزی هم به او نگفتم. اتفاقاً وقتی دخترم متوجه شد، به احمد آقا پیام داد که دست از سر مادرم بردار، پدرم بفهمد اتفاق های بدی می افند؛ اما او دست بردار نبود. الهام درباره اتفاق های روز حادثه نیز مدعی شد: من چون می ترسیدم اتفاقی بیفتدم، هیچ گاه بدون حجت از خانه انتهاهای باع خارج نمی شدم. روز حادثه هم با حجت وارد باع شدیم که او به طرف انتهاهای باع رفت و من وارد گلخانه شدم، اینجا مرحوم مرا گرفت کشید و اذیت کرد. من جیغ کشیدم که شوهرم با شنیدن صدای جیغ آمد و با میله، یکی زد روی سرش و بعد به من گفت: «برو خانه»؛ من هم رفتم، بیست دقیقه بعد آمد و حالم را پرسید و دوباره برگشت گلخانه. من نفهمیدم چه شد و روز بعد تا شب همین جا بودم، نمی دانستم احمد آقا را کشته است. شوهرم ساعت ۳ صبح فرگرد.

«حجهت. ۵» به همراه سه دختر والهام، همسر جوانش، از اسفندماه سال گذشته وارد یک گلخانه بزرگ در خیابان شاهنامه شدند تاهم در خانه‌ای نقلی در کنج این باع زندگی کنند و هم در کارهای باغبانی به «احمد. م» کمک کنند. آن‌ها کارشان را در حالی شروع کردند که هم زمان باشد گل و گیاهان متنوع درون گلخانه، مشکلات شخصی نیز میان آن‌ها قد کشید تا پیغم خرد ادامه اخلاق‌افات به بار نشست و حجهت در نزاعی مرگ بار، صاحب کارش را با ضربات شدید آهن به سر کشت و جسدش رانیز با فرغون به انتهای گلخانه منتقل و میان نخله‌ها مخفی کرد. این متهم به قتل در ادامه با استان سراپی به فرزندان مقتول که دنبال پدر پیرشان می‌گشتند، اعلام کرده بود که حاج احمد سوار یک تویوتا هایلوکس شده و از باغ رفته است و در حالی که آن‌ها به همراه پلیس دنبال پیرمرد بوده‌اند، حجهت از باع فرار کرده بود. عصر همان روز نیز فرزندان حاج احمد که به رفتار باغبانشان مشکوک شده بودند، باگشتن درون گلخانه، پیکر بی جان پدرشان را انتهای گلخانه زیر اینبویی از ضایعات پلاستیکی... پیدامی کنند. همان زمان با اوروفاصلی صادق صفری، بازپرس جنایی، تحقیقات برای دستگیری متهم در حالی آغاز شد که او به زادگاهش در تبریت حام گریخته بود. تحقیقات ادامه یافت تاینکه کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد موفق به ردزی او و همسرش در یک چادر مسافرتی در کمپ غدیر مشهد شدند و آن‌ها را دستگیر کردند.

دیروز متمه با پایاس آبی راه زندان به همراه همسرش که بعد از روش شدن جزئیات پرونده آزاد شده بود، به گلخانه منتقل شدند تا تمام جزئیات این پرونده را در رابر بازرسی جنایی بازسازی کنند. با دستور مقام قضایی، ابتدا زن حوان برای نشان دادن آنچه در روز جنایت رخ داده بود، به داخل گلخانه آمد تا بعد اظهارات او و همسرش با یکدیگر تطابق داده شود.

دیبا مگ بالاخره گیریان تک تک انسان ها را خواهد گرفت و زمان آن را کسی نمی تواند بفهمد؛ اما در برخی مرگ ها فرد می تواند به نوعی زمان مرگش را انتخاب کند. بیمارانی که دچار مرگ مغزی شده و در آستانه خروج از دنیا مادی قرار گرفته اند، به نوعی می توانند بین حال یا اندکی بعد انتخاب کنند، با این تفاوت که در حال می توانند جان چند بیمار نیازمند به حضور رانیز نجات دهند. در تازه ترین جراحی هدای اعضاء غلامی نژاد، پیغمرد شصت ساله مشهدی در بیمارستان رضوی مشهد در پی حادثه ای دچار مرگ مغزی نشده بود. در ادامه با مشاوره ای که پزشکان به اطرافیان این بیمار دادند، آن ها با اهدای اعضای قابل پیوند پدرشان موافقت کردند. در ادامه با منتقال پیکر مرحوم غلامی نژاد به بیمارستان منتصره مشهد، او تحت عمل جراحی اهدای اعضاء قرار گرفت و کبد زنده یاد برای پیوند به بیمارستان بیرون علی سینا شیراز ارسال شد. در ادامه قرنیه های مرحوم به منظور پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و قسمتی از پوست او نیز برای پیوند به بیماران بخش سوختگی به بیمارستان امام رضا<sup>اع</sup> مشهد ارسال شد.

هلا، دختری که از پارسال گم شده است

یسنا] بیش از یک سال از ناپدید شدن مرموز «هلنا»، دختر یارا زده ساله اصفهانی، در پارک نازوان می‌گذرد و همچنان هیچ اثری ازاو یافت نشده است؛ پرونده‌ای پیچیده که با عترافات متناقض مظنون اصلی، ابهامات فراوان و انتقاد خانواده وکیل پرونده از روند تحقیقات، به یکی از برادران تربیت پرونده‌های کودک ریابی سال‌های اخیر بدل شده است. ۱۴۰۳ بود که خبرگشتن هلنای دختری‌چه اصفهانی در پارک نازوان در شبکه‌های اجتماعی مطرح شد. امروز بعد از گذشت یک سال واندی از آن اتفاق، برخلاف شایعاتی که گاه در فضای مجازی منتشر می‌شود، هنوز هیچ ردی ازاو پیش از نشده است. خواهر بزرگ راین دختری‌چه می‌گوید: «س» (داماد سابق خانواده) به بانه‌آوردن وسایل شخصی من که مدت‌ها بود در خانه ایشان مانده طلاق از پسر خودش، من، مادرم و خواهرم هلا بود و به خواسته و اصرار خودش. آن شب در پارک بودیم که «س» هلنا را برای اوردن وسایل به داخل پارک‌نگی پارک برد. در فیلم‌های مدمداریسته پارک‌نگ هم دیده شده که او پانزده دقیقه بدون موضوع صحبت‌شان درباره آوردن سگ به خانه باشد؛ چون هلنا به سگ علاقه داشت. او از این فرصت استفاده کرده و با توجه به کینه‌ای که از من و بدرم داشته و طبق تهدیدی که گفته بود یک خونی ریخته خواهد شد، احتمالاً بلایی بر سر هلنا اورده باشد. هلنا شب جمعه گم شد، روز جمعه ما همه جا در دنیالش گشتبیم؛ اما «س» مدام به مامی گفت که نگران نباشید، هم داشته، اما هنور خبری از خواهر من به دست نیامده است. زنگ می‌زنند و در خواست پول می‌کنند. «س» به عنوان مظنون این پرونده دستگیر شده و صحبت‌های متناقضی هم داشته، اما هنور خبری از خواهر من به دست نیامده است. به گفته وکیل این خانواده، «س» که در حال حاضر در زندان به سرمی برد، در عترافات اولیه گفته است که کوک را پارک نیاید و به اطراف جاده فروذگاه برده است، اما بعد از آن چندین عتراف متناقض کرده و گفته است: «من دیدم دو نفر هلنا را کشند و به او تجاوز کرده بودند. من جسد را برداشتیم، روی

نیومن دادستم، با اینکه بودم، به چند کاره فروخته بودم، در آنجا دافن کردم و خودم روی او خاک ریختم؛ «اما بعد در اعتراف دیگری گفته است: «هلنا کشته شده بود، جان در بدین نداشت و من اورادر مسیر جاده فروذگاه تحويل دو نفر دادم و آن دونفر جسد را دافن کردند.» تحقیقات جنایی درباره این پرونده پیچیده ادامه دارد.

10 of 10

مهراپلیس محلی اعلام کرد که در بی ریزش پلی در ایالت گجرات در غرب هند، بیست نفر جان خود را از دست داده و بیش از شش نفر رخمی شده‌اند. این پل در سال ۱۹۸۵ روی رودخانه ماہیساگار در منطقه وادو دارا ساخته شده است و در بی ریزش پخشی از آن پنج تا هفت سیله نقلیه به داخل رودخانه سقوط کرددند. عملیات جست وجو در محل حادثه در حال انجام است؛ زیرا دو نفر هنوز مفقود هستند. گفته می‌شود معمولاً کامیون‌های سنگین به دنبال اجتناب از عوارض در برزگراه ملی

ساختن میگیرد، بک آیا تمام ده تکه

ایلنا رسانه های محلی ترکیه اعلام کردند آتش سوزی در یک آپارتمان ۲۶ طبقه در آنکارا، منجر به کشته شدن سه نفر از جمله یک نوزاد سه و نیم ماهه شده است. آتش سوزی حدود ساعت ۱۰ شب شنبه گذشته در طبقه چهارم رخ داده و به سرعت در سراسر این ساختمان مسکونی گسترش یافته است. اطلاعی حیرق این آپارتمان چهار ساعت زمان برد است. بر اثر این حادثه ۳۹ نفر از جمله هفت آتش نشان، ۷ چهار مسومیت به دلیل استنشاق دود شده اند. همچنین امدادگران به ۲۶ مصدوم در محل رسیدگی کردند. در حالی که بیست فردیگر در بیمارستان بستری شده بودند که حال یکی از آن ها وخیم است. دادستانی ترکیه تحقیقات برای

فراهندان، فانسون، باحمدان هم‌نده

ایستادارانه‌های فرانسه اعلام کردند که یک زندانی بیست ساله فرانسوی با پنهان شدن در چمدان هم سلوی اش که دوران محکومیت خود را به پایان رسانده بود، موفق به فرار از زندان شد. این زندانی که در حال گذراندن چندین حکم زندان بوده، از زندان «کوربا» در نزدیکی شهر «لیون» در جنوب شرقی فرانسه فرار کرده است. این زندانی فراری همچنین در پرونده‌ای مرتبط با جرائم سازمان یافته تحت تعقیب قرار گرفته است.







# چطور قطره‌های را دریابیم؟

الهام طریفیان شاید پیشتر از هر وقت دیگری، در این روزهای داغ تابستان که آقاب بی ماحابا بر زمین می‌رسند و هر جنبه‌ای را به آخرين درجات آسانه تحملش می‌سازند، بتوانیم کمی از ارزش واقعی قطرات آب را درکنیم. همان مایه حیاتی که جون همیشة در دسترس مان بوده، خلیل اوقات برایمان کمیل است. یک پیش فرض عادی شد و قدر و قیمت حقیقت اش را فراموش کرده‌ایم. حالا احتمالاً بهترین توافی نبودنش را تصویر کنیم و با خودمان بگوییم، هر چند هم‌زمان هست. ولی کم است. اگر همین کمیش هم نباشد چه می‌شود؟ واقعیت این است که مردم در سرتاسر جهان با کمبود آب دست و پنجه نرم می‌کنند. در چین شرایطی مادر خانه هایمان جه قدم های کوچک اما ساده و هوشمندانه ای می‌توافیم بوداریم که به حفظ این سرمایه‌گران بپاکم کنیم و در کنار آن، هزینه‌های خانواده را نیز کاهش دهیم؟ این موضوعی است که امروزه راین مطلب می‌خواهیم به آن پیردادیم، چه بسا. همین حالا، یک تغییر کوچک در روند روزمره مان بتواند اثرات بزرگی در آینده داشته باشد. شاید شما هم در خانه تان، عادت‌های کوچک و ساده‌ای مثل بستن شیر آب هنگام مسواک زدن یا جمع کردن آب مناسب برای استفاده مجدد را غافل گردید. این کارها ممکن است در ظاهر بی اهمیت به نظر برسند، اما شک نکنید که اگر هر فردی این عادت‌ها را در زندگی روزمره اش پیاده کند، معجزه‌ای اتفاق می‌افتد.

## چرا باید به صرفه‌جویی آب اهمیت بدهیم؟

صرفه‌جویی در مصرف آب در واقع صرفه‌جویی اقتصادی است، به این دلایل:



### کف‌های امدادن بشویید

- اگر می‌خواهید مصرف آب را کاهش دهید، ناگزیر است از اینکه در روش‌های سنتی شستن ظرف‌های ایتانت تجدید نظر کنید. برای این کار بپارید که در هدید.
- بهتر است ظرف‌های ادار سینک‌پای یک لگن پراز آب گرفتار دهید و از حداقل مایع ظرف شویی برای شستن شان بهره بگیرید تا نیاز به آب فراوان برای آنکه نداشته باشد.
- غذاهای باقی مانده را جدا کنید تا شستن شان کوتاه تر با مقدار کمتری آب صورت بگیرد.
- در صورت استفاده از ماشین ظرف شویی، برنامه‌های اقتصادی و کم مصرف را فعال کنید.

### خانه را با روش‌های خوب نظافت کنید

- یک راهکار نوآورانه و عملی بهره‌گیری از روش‌های جدید در نظافت منزل است که مصرف آب را طور چشمگیری کاهش می‌دهد. به عنوان مثال می‌توانید از مستلزم مطبوع مخصوص نظافت اسفنج های خشک یا دستگاه های نظافت بدون آب امکن جارو های ریزی یا پرفکت را برای آب ندارند استفاده کنید. سپس از این راههای دارای مزایای بسیار قابل خوبی و استفاده هستند. این تجهیزات عملکرد مشابه روش های سنتی به جای شستن دیوارها پنجره ها و سطوح با آب و کف از ماده ایکار کننده را کاهش می‌نمایند. یا اسپری هایی که نیاز به آب ندارند بهره برد. که هم سریع است و هم در مصرف آب صرفه‌جویی می‌کند.

### تجهیزاتتان را به روز کنید

- شیرهای کم مصرف و فناوری های هوشمند، میزان مصرف آب را به شدت کاهش می‌دهند. تقویض شیرهای میزبانی با چینش شیرهایی ممکن است در ابتدا کمی هزینه برآورد شود. اما در بلندمدت با کاهش چشمگیر مصرف آب و قیمت قسط، جبران خواهد شد. جون فیلترهای هوشمند و سیستم های کنترل فشار، مصرف آب را کم می‌کنند. تصور کنید اگر شیر آب شمار در جین فعالیت هایی مانند مسواک زدن با صورت شویی با استفاده از فناوری قطع خودکار پیش از مدت کوتاهی، آب را قطع کنید. پقداری تواند در کاهش مصرف آب به طور مؤثر نقش داشته باشد؟

### راهکارهای عملی برای صرفه‌جویی در آب

از بستن شیر آب وقتی در حمام سرمان، راکفی می‌کنید تا استفاده از شیرآلات هوشمند راهکارهای زیادی وجود دارد که در عین سادگی، تأثیر مهمی در کاهش مصرف آب دارند و برای این کار پیشنهاد می‌شود:

- زمان دوش گرفتن را به ۵ تا ۱ دقیقه محدود کنید.
- از سردوش های کم مصرف و کنترل شده استفاده کنید.
- تا آب به صورت هدفمند و همچو از دوش خارج شود.
- از تایمیر یا ترم افزارهای هوشمند برای کنترل زمان حمام بپرید.

### کوتاه دوش بگیرید

- پیکی از بزرگ ترین مصرف کنندگان آب در خانه حمام است. کاهش زمان صرف شده در حمام و استفاده از تجهیزات کم مصرف، تأثیر زیادی روی مصرف آب دارد. برای این کار پیشنهاد می‌شود:
- زمان دوش گرفتن را به ۵ تا ۱ دقیقه محدود کنید.
- تا آب به صورت هدفمند و همچو از دوش خارج شود.
- حمام بپرید.

### کولرهای آبی را دریابید

- کولرهای آبی که یکی از محبوب ترین وسایل سرمایشی در مناطق گرم و خشک مانند میانه هستند در کنار خنک کردن فضا، معمولاً آب زیادی مصرف می‌کنند. اما با چند راهکار هوشمند و ساده می‌توانید مصرف آب را در حلقه بسته، عایق بندی بهتر تنظیم کاهش دهید. نصب سیستم گردش آب در حلقه بسته، عایق بندی بهتر، تنظیم دقیق سطح آب، تکنیک ریزی منظم و بهره‌گیری از فناوری های کنترل هوشمند، همگی راههایی هستند که باعث صرفه‌جویی در مصرف آب می‌شوند و علاوه بر حفظ منابع، هزینه های را کاهم می‌کنند. استفاده از فیلترهای مناسب و جایگزینی کولرهای قدیمی با مدل های مدرن و کم مصرف، از دیگر روش های مؤثر در کاهش هدر رفت آب است.

### گیاهان مقاوم به خشکی بکار ردم

- یکی از راهکارهای مؤثر در صرفه‌جویی آب، جایگزین کردن گیاهان پرآب و نیازمندیهای ابیاری مداوم با گیاهان مقاوم به خشکی است. این نوع گیاهان، نیازکسی به آب دارند و در برای کم ای مقاوم تر هستند. بنابراین می‌توانند در راهی دیگرین گیاهان پرآب و نیازمند به آب شوند. برای نمونه گیاهانی مانند کاکتوس، ضمن زیبایی، نیاز نیزی به آب دارند و در بلندمدت به حفظ منابع آبی کمک می‌کنند. علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف آب، این گیاهان بیانی به مراقبت کمتری دارند و هزینه های نگهداری را کاهش می‌دهند.

درباره ضرورت بازنگری در قانون برای جلوگیری از به کارگیری اسامی بیگانه بر تابلوی فروشگاه‌ها و پیشنهادهای اصلاحی

پیشنهادی برای اصلاح قانون

و شهرداری را مکلف کردیم آن تابلوها را جمیع کنند. در حال حاضر نیز درباره اصلاح قانون و ایجاد الزام برای شهروندان، سه راه پیگیری وجود دارد.

او تأکید می‌کند: اول اینکه شهرداری ها درخواست رایه شورای عالی استان ها ببرند و آن رادر قالب لایحه به مجلس بفرستند. راه حل دوم، این است که نمایندگان مجلس، آن رادر قالب یک طرح بیان کنند و درنهایت اینکه دولت، موضوع رادر قالب لایحه به مجلس ارسال کند.

این نماینده مجلس یادآوری می‌کند: به نظر می‌رسد با شرایط موجود که همه شهر را اسامی بیگانه پر کرده است، بهتر است شهرداری ها از جنبه آلودگی بصیری و لزوم زیبایی شهری وارد شوند و از طریق شورای عالی استان ها مسئله را تاریخی دین به نتیجه پیگیری کنند.

نخعی راد این نکته را هم می‌گوید که برای اصلاح قانونی این موضوع، چند مسیر وجود دارد اما باید بینینیم کدام گروه انگیزه بیشتری دارد. باید قانون رایه شکلی اصلاح کرد که صاحب کسب از ابتدا تواند نام بیگانه را روی سردر بگذارد، نه اینکه بعد با جرم و تهدید اورا ملایم تغییر نماید.

تعداد نکاتی که مسئولان برای اصلاح این قانون پیگیری کرده اند، محدود بوده است. یکی از آن ها مصوبه ای مربوط به شورای اسلامی شهر مشهد و به این شرح است: در تبصره ۲ مصوبات ضوابط و مقررات تبلیغات شهری که در رسال ۱۳۹۴ و در جلسه علنی شورا مطرح شد و به تصویب رسید، آمده است: «هرگونه استفاده از حروف غیرفارسی و اسمای غیرملی در همه تابلوها، عوارض واحد مربوطه را دربرابر خواهد کرد، همچین تابلوهای تبلیغات برندهای خارجی، باید عوارض پنج برابر پرداخت کنند».

حال سوال این است که برای بهبود این وضعیت، چه راهکارهایی وجود دارد؟ علی اصغر نخعی راد، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، که عضو چهارمین دوره شورای اسلامی شهر مشهد هم بوده است، باید آوری این مصوبه توضیح می‌دهد: در آن سال رهبر معظم انقلاب درباره حذف اسامی بیگانه از سردر مغازه ها سخن گفته بودند و ما هم داشتماء اسلام شد آن مورد اصرار

آن وقت مالک رستوران مدعی می شود که ۲۰۰ میلیون تومان خسارت دیده است. چطور راه اندازی یک رستوران بدون مجوز بهداشت، ممکن نیست؟ پس باید کسب مجوز نام صنف هم منوط به انتخاب نام ایرانی باشد. در حوزه ساخت و ساز هم همین است؛ اگر مالک، یک طبقه اضافه احداث کند، خیلی زود پلمب می شود اما درباره تعصب و تعهد به زبان فارسی، چنین چیزی را شاهد نیستیم. هم قانون و هم روند صدور مجوز باید طوری باشد که بازدارنگی ایجاد کند.

حسین زاده در ادامه می گوید: خراسان مهد تشکل هاست ولی در برخی حوزه ها یاتشکل نداریم یا خیلی کم است. در کنار فعلان فرهنگی و علاقه مندان به زبان فارسی باید توجه تشکل هایی راهم که پاسدار زبان فارسی هستند، جلب کنیم. این تشکل ها باید برای حفظ زبان دورهم جمع شوند و فعالیت کنند. باید گروه های مردمی داشته باشیم که به رستوران، فروشگاه و ساختمان مسکونی، مراجعه و درباره علت نام گذاری با دیگران اتفاقی صحبت کنند، حتی می توان پویش راه اندازی کرد که مثلاً به فلان رستوران نرویم تا وقتی که نام فارسی انتخاب کند.

او بر این نکته هم تأکید می کند که زمانی با ستدان ادبیات دانشگاه فردوسی صحبت کردیم و گفتند حاضریم به کسی که به دنبال نام فارسی می گردد، کمک کنیم؛ کما اینکه برای یافتن نام لاتین هم مدتی جست و جویی کنند و دریک شب به دست نیامده است.

او می گوید: در این زمینه دو سامانه جدا داریم که باید در طول هم باشند، نه در عرض هم. بگوییم تا فردی تاییدیه ای اسم رانیاورده است، نباید مجوز بگیرد و اگر با وجود مجوز نام دیگری را بالا برد، جای مماشات ندارد و دستگاه متولی باید تابلو را پایین بیاورد. هرگونه ملاحظه در این زمینه مشکلات بعدی را ایجاد می کند. بر همین اساس، باید گفتمان سازی کرده، مطالبه فرهنگی ایجاد کنیم.

# نام‌ها و نشانه‌ها؛ غفلت امروز، هراس فردا

طبق همین ماده، «این شورا همه ساله گزارش روزرسی و نظارت و عملکرد خود را به شورای عالی فرقنایاب فرهنگی ارائه می‌دهد». اما اینکه چه ممچنان، تابلوی مغازه‌ها و اماکن به کلمات غیرفارسی تحریر می‌شود، پرسشی است که باید پاسخش را از مسئولان پرسید. به جد هم باید پرسید؛ چون موضوع بسیار جدی است بحث زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است. موضوع مهارتی هم برای همه حیثیتی است. باید مورخ و جوه و الزام آور باشد. چنین نکیم، امروز تابلوه‌ای تصرف می‌کنند و مهر اشغال بر زبان در کامپاناه می‌زنند؛ نه اینکه همین امروز بسیاری از ملumatی که از زبان جاری می‌شود، غیرفارسی است. علوم است وقتی زبان مقاومه بیگانه باشد یعنیده‌ای نامعلوم برای فارسی رقم خواهد خورد. ن وقت فقط زبان ما به گرو نخواهد رفت، بلکه ممده هویت و فرهنگ ماهم گروگان غفلتی خواهد شد که امروز مرتكب می‌شویم. همتی کنیم و حراست از زبان فارسی، با هویت ملی خود به فرد رسیم.

معانی ای پر می شود که وقتی خود آگه فکر می کنند، حال دلشان دچار آشوب و نام هاشانه اند، نه از نوع بازی «نام ها و نام بلکه از گونه نشانه ها که مسیر آدم را به خواسته شده تغییر می دهند. نام هاشانه آشکاری هستند از رویکرد صاحب نام است که مسئله را حساس می کند. نام به نوعی نگاه به بیگانه را هم در ذهن برمی کند. شاید حساسیت به موضوعی باعث شده است که مسئولان هم دشمنان و مقررات وضع کنند. شاید وضعیت شوند برای بد: بند ۱۰ ذیل ماده اول آن نام گذاری شهرها، خیابان ها، اماکن و مکان های عمومی تصریح می کند: «فروشگاه ها، شرکت ها، مراکز کار و پیشنهاد از گذاشتن اسمی



ایام اسارت اهل بیت<sup>(ع)</sup>، از مقاطعه حساس و تأثیرگذار تاریخ اسلام است. رویدادی که هرچند در نگاه نخست، تمومی از رنج و مصیبت به ذهن متباره می‌کند. در عمق خود، فلسفه‌ای عمیق و انقلابی رانهفته دارد. اسارت خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup> نه یک حادثه تحملی و اتفاقی، بلکه جریانی هدم‌مند و الی بود که برای تداوم پیام عاشورا و نهادینه شدن اندیشه انتقامی امام حسین<sup>(ع)</sup> در دل تاریخ طراحی شده بود. این اسارت، به همان اندازه که شهادت در کربلا اهمیت دارد، جایگاه والای در فرهنگ ادبی دینی با افتخار است؛ زیرا حون شدیدی کربلا با جریان اسارت اهل بیت<sup>(ع)</sup> جاود آورد و تأکید کرد که نباید با اسرای کربلا همچون دیگر اسرا برخورد شود. او به صراحت اعلام کرد که اینان خاندان پیامبر و باید از اسارت آنان برای اهداف خاص بهره‌برداری شود.

دشمنان اسلام، و به ویژه ترددیان، از همان آغاز با این اسارت اهل بیت<sup>(ع)</sup> را به ایازی برای تحقیر تبار نبوی و شکستن عظمت پیامبر<sup>(ص)</sup> در چشم مردم تبدیل کردند. عمر سعد، پس از شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> در خود را گرد آورد و تأکید کرد که نباید با اسرای کربلا همچون دیگر اسرا برخورد شود. او به صراحت اعلام کرد که اینان خاندان پیامبر و باید از اسارت آنان نسل ها و عصرهای مختلف.

یکی از این اهداف، تحقیر و خوار کردن تبار نبوی بود، دشمن می‌خواست با تحقیر زنان و کودکان خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup>، عظمت و شکوه ایشان را در نظر مردم فربویزد و این گونه، جایگاه والای پیامبر<sup>(ص)</sup> را در دل هاکم رنگ کرد. هدف دیگر، ایجاد رعب و وحشت در میان مخالفان حکومت بود. بزیدیان می‌خواستند با نمایش اسارت همراه با شکجه و تحقیر، عبرتی برای هر کسی که به فکر قام علیه حکومت می‌افتند، بسازند و این گونه، هرگونه جرقه مقاومت را در نطفه خفه کنند.

برای دستیابی به این اهداف شوم، دشمن از هیچ علمی فروگذار نکرد. اسرا را از آن و غذا محروم کردند تا در پرایر دیگران از شناسی بیفتند و چهارهای حیر از آن نمایش بگذارند. آنان را در معرض پادهای داغ کوبیدند و ماسه‌های سوزان شام و عراق قرار دادند، تا جایی که همه‌های دکانان اهل بیت<sup>(ع)</sup> از شدت گرم و سختی را، ساخته شد. این رنج‌ها، بخشی از برناهه ریزی دشمن برای خرد کردن و خود را چویه خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup> و نمایش صرف و تاثیر آنان بود. اما آنچه دشمن از آن غافل بود، بزیدیان نمی‌دانستند که این اسارت، نه تنها به تحقیر دربرابر این ظلمها بود. بزیدیان نمی‌دانستند که این اسارت، نه تنها برای افسای چهره واقعی ظالمان و جاودانگی پیام عاشورا تبدیل خواهد شد. بلکه به بستری برای افسای چهره واقعی ظالمان اهل بیت<sup>(ع)</sup> منجر خواهد شد.

اهل بیت<sup>(ع)</sup> نیز در این اسارت اتفاقی عمل نکردند. آنان با هدفی روش و الهی، این سیمیرا پیمودند و از اسارت به عنوان ستری برای انتقال پیام عاشورا بهره گرفتند. در شرایطی که ذهن مردم آن زمانه های استندل های تحلیلی ایشان را با خود می‌دانستند، تا جایی که همه‌های دکانان اهل بیت<sup>(ع)</sup> از شدت نمی‌داد. اهل بیت<sup>(ع)</sup> از راه احسان و عاطفه وارد شدند و اندیشه انتقامی امام حسین<sup>(ع)</sup> را در جان مردم جای دادند. باونان خاندان امام حسین<sup>(ع)</sup> به ویژه حضرت زینب<sup>(ع)</sup>، امکلهون<sup>(ع)</sup>، حضرت سکینه<sup>(ع)</sup> و فاطمه بنت الحسین<sup>(ع)</sup>، با زبان عاطفه و احسان، دل های مردم را تحت تأثیر قرار دادند. زن، به عنوان کانون نفوذ در عواطف، در این مسیر نقش بی‌بدیلی ایفا کرد و خطبه‌ای ایشان و تأثیرگذار این باونان، مؤثرترين راه برای رساندن پیام عاشورا به گوش مردم شد. این باونان، با سخنان خود نه تنها دل را به درد آوردند، بلکه بذر بیداری و مقاومت را در جان ها کاشتند.

در تمام سیمیر اسارت، از کربلا تا شام، خطبه‌های این باونان بود که ورق تاریخ را برگرداند. حضرت زینب<sup>(ع)</sup> در خطابه ای تاریخی در پرایر بزید. با صلابت و اقتدار فرمود: «بزید! بزید! چوکت و حقیرتاز آئی که در چشم ماعتباری داشته باشی». این سخن، نه تنها بد و نشان داد که اهل بیت<sup>(ع)</sup> خود را تحقیر کرد، بلکه قادر پوشالی امویان را بزرساول بود و شناخت داد که اهل بیت<sup>(ع)</sup> خود را تحقیر کرد. آن با هر کلام و رفتار خود، نشان دادند که اسارت، نه تنها ضعف، بلکه فرصتی برای نمایش عظمت و استقامت است.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد  
تنظیم: حجت‌الاسلام و مسلمین حسین ابراهیمی

## شارت

### خون حسین<sup>(ع)</sup>، بهای هدایت آیندگان

محمد جواد علیپور انگار از اول. این تقدیر حتمی نوشته شده بود و همگان می‌دانستند بپویه سول خدا که اشرف مخلوقات است و حافظ اسرار الهی؛ و در این داستان می‌فهمیم بخش مهم دیگری از فلسفه قیام عاشورای حسینی را و دلیل «جراج هدایت» و «کشتن نجات» نامیدن ایشان را.

در آن شب آرام، جریل امین با چهره‌ای اندوه‌گین بررسول خدا نازل شد. پیامبر<sup>(ص)</sup> که متوجه تغییری در حالت فرشته شده بودند، پرسیدند: «ای جرجیل! چه امر ناگواری تو را چنین محظوظ ساخته است؟» جریل تاکتیکی را در لزان پاسخ داد: «ای حبیب خدا! پرور دگارم مرافت شده است تا تو را به دیداری در دنگ خواهیم داشت.»

پیامبر<sup>(ص)</sup> ایستاده بود. پیامبر<sup>(ص)</sup> فریاد زدند: «دیدار با چه کسی؟» جریل دستش را به سوی آسمان گشود و گفت: «این دید». ناگرانه این صحنه تغییر کرد. پیامبر<sup>(ص)</sup> خود را در سرمهی خشک و بی‌آب و علف بافتند؛ میمی سوزان که اتفاق بی‌رحم بر آن می‌تابید. در میان آن بیان، جوانی خوش سیما با چهره‌ای شیشه خود پیامبر<sup>(ص)</sup> ایستاده بود. پیامبر<sup>(ص)</sup> فریاد زدند: «حسین! پسرم! اما گویی صدای ایشان به گوش کسی نمی‌رسید.

جریل پا چشم‌نای پرا اشک گفت: «این سرزمین، کربلاست. و این روز، روز عاشورای سال ۶ هجری» پیامبر<sup>(ص)</sup> با وحشت دیدند که چگونه لشکر شنه لب، به سوی فرات می‌نگرد اما بر او و سوی شود. ناگرانه این صحنه به اوچ خود رسید. پیامبر<sup>(ص)</sup> مشاهده کردند که چگونه بدن مطهر حسین<sup>(ع)</sup> از نیزه ها و شمشیرها زخمی می‌شود. پیامبر<sup>(ص)</sup> در آسمان پیچید: «وای! وای بر ارمی که فرزندم را چنین به شهادت می‌رسانند!»

جریل دستش را بر شانه پیامبر<sup>(ص)</sup> گذاشت و گفت: «خداؤند می‌فرمایید، ای پیامبر من! غمگین می‌باش. بد درستی که من او را سرور شهدیان قرار دادم و خونش را مخور هدایت بندگان تا قیامت خواهیم ساخت.» پیامبر<sup>(ص)</sup> پرسیدند: «چرا باید این اتفاق بیفتند؟» جریل پاسخ داد: «تا حق هرگز فراموش نشود؛ تا مردم بدانند که در مقابل ستم پاید ایستاد، حتی اگر بیهادش جان باشد.» در آن روز پیامبر<sup>(ص)</sup> با راهی حسین<sup>(ع)</sup> را در آغوش گرفتند و بوسیدند. هر بوسای گویی و داعی بود با آن نور دیده. و هر اشکی، حکایتی از عشقی نیمه نهایت و دردی بیان.

منابع:

۱- لهوف، سیدین طاووس

۲- بخارا الانوار عالمه مجلسی

۳- مقتل الحسين، خوارزمی

آشنایی با نشانه‌های نفاق در قرآن که برای امروز ما آموزنده است

# مناقف در جنگ با خدا و خلق خدا

**حیده ذکریا** یکی از مسائل مهمی که قرآن کریم در آموزه‌های خود به آن پرداخته است. نفاق و منافقان است، واژه‌ای که اهمیت آن زمانی مطرح شد که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به مدینه هجرت کرده و پس از پیروزی بر مشکران بدنبال پایگذاری دین اسلام بود. در این دوره، افرادی بودند که با توجه به پیروزی‌های مسلمانان، شهامت مخالفت علیٰ با پیامبر<sup>(ص)</sup> و دین اسلام را نداشتند و با پذیرش ظاهری دین در خفا، دشمنی خود را دادند. در این دوره است که قرآن در آیات متعددی به معروفی چهره منافقان و شیوه‌های مخربشان می‌پردازد تا به مسلمانان در این زمینه هشدار بدهد؛ آموزه‌هایی که امروز هم برای ما آموزنده و راهگشاست.

## گزارش

شنبه

۱۴

شنبه

۱۵

شنبه

۱۶

شنبه

۱۷

شنبه

۱۸

شنبه

۱۹

شنبه

۲۰

شنبه

۲۱

شنبه

۲۲

شنبه

۲۳

شنبه

۲۴

شنبه

۲۵

شنبه

۲۶

شنبه

۲۷

شنبه

۲۸

شنبه

۲۹

شنبه

۳۰

شنبه

۳۱

شنبه

۳۲

شنبه

۳۳

شنبه

۳۴

شنبه

۳۵

شنبه

۳۶

شنبه

۳۷

شنبه

۳۸

شنبه

۳۹

شنبه

۴۰

شنبه

۴۱

شنبه

۴۲

شنبه

۴۳

شنبه

۴۴

شنبه

۴۵

شنبه

۴۶

شنبه

۴۷

شنبه

۴۸

شنبه

۴۹

شنبه

۵۰

شنبه

۵۱

شنبه

۵۲

شنبه

۵۳

شنبه

۵۴

شنبه

# نامی گمنشدنی در کوچه تاریخ

امید حسینی نژاد هنگامی که خبر درگذشتنش به گوش اطراقیان و دوستانش رسید. سال از زندگی را گذرانده بود. نزدیک به یک قرن شاهد تحولات و اتفاقات تلخ و شیرین شهر و کشورش بود و بسیاری از این اتفاقات را بر صفحه کاغذ نوشت و به راحتی از کنار آن ها نگذشته بود. برای او کوچک ترین عناصر و مؤلفه های فرهنگی شهر و دیوارش مهم بود، همیشه دفتر یادداشتی همراه خود داشت و روایت خود را از بزرگانی که محض رسان را درک کرده بود می نوشت. از این که بگذریم. حتی کوچک ترین تحولات اجتماعی جامعه را ثبت می کرد. شما چند نفر از می شناسید که قیمت حبوبات و اقلام مصرفی زمان خود را در دفترش ثبت کند؟ این نکات تنهای از تگاه باریک بین محقق و پژوهشگری کوشاد و رونمی ماند؛ رمضانان غلی شاگری مردمی که سال های سال زندگی اش را با کتاب و دفتر و قلم سیری کرد و کوچک ترین اتفاق های اطراقش برای او یک سند تاریخی بود. اگر به دفترهای یادداشتی که از او باقی است نگاه کنید، یک عبارت بیشترین استعمال را در نوشتة هایش دارد و آن هم این جمله است: «برای ثبت در تاریخ». به قول اسماعیل نوری علا «در کوچه های تاریخ هیچ کس گم نمی شود».



سروگذشت و روزگار رمضانعلی شاکری

آستان قدس رضوی به عنوان رئیس کارگزینی آستان قدس رضوی منصوب شد. پس از گذشت مدتی و با توجه به علاوه اش به کتاب و کتاب خوانی به عنوان نخستین سپرست کتابخانه آستان قدس انتخاب شد.

او توانست در طول پانزده سال حضورش در کتابخانه آستان قدس، فعالیت های بسیاری در زمینه توسعه کتاب خوانی و حفظ میراث ارزشمند این کتابخانه انجام دهد. کتاب «گنج هزارساله» که در آن به معرفی میراث نفیس کتابخانه آستان قدس پرداخته، یکی از اثار نفیسی است که در مدت سپرستی کتابخانه نوشته است. استاد شاکری نویسنده ای خوش قلم و فرهیخته ای کوشاید، او خاطرات زندگی خود را از کوکی تا نodusالگی در کتابی با عنوان «زیست نامه» به رشته تحریر درآورد.

استاد شاکری در روز پنجم شنبه، ۲۳ تیرماه سال ۱۴۰۶، به رحمت ابرزی پیوست.

متوسطه خود را دریافت کند. در آن زمان در مشهد احزاب مختلفی با مرام های فکری متنوع وجود داشتند که هر یکی به تبلیغ افکار خود مشغول بودند. همچون حزب توده، حزب پیکار، حزب میهن پرستان، حزب دموکرات ایران، حزب مردم، انجمان تبلیغات اسلامی، انجمن پیروان قرآن، کانون نشر حقایق اسلامی، مراکز تبلیغی بهاییگری و نیز جلسات آشنایی با افکار سید احمد کسری.

استاد شاکری در سال ۱۳۴۶ خورشیدی به ریاست کتابخانه فرهنگ و هنر مشهد برگزیده شد. در طول سال های حضورش در این سمت، تحولات بزرگی در کتابخانه ایجاد کرد. او تاریخچه این کتابخانه را در کتاب «تاریخچه کتابخانه عمومی فرهنگ و هنر مشهد در پنجاه سال» به رشته تحریر درآورده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رمضانعلی شاکری به خواست تولیت قیقد سال ۱۳۲۳ میلادی در قوچان از حدود سال ۱۳۹۵ خورشیدی راه اندازی شد که از جمله نه «مدارس ملی احمدی»، «مدارس مهرداد» و «دبستان ملی اسلامی» بود.

بحث تربیت خاطره کودکی اش، مرگ پدر در سال ۱۳۱۷ بود. زمانی که او فقط چهارده سال اشت و ناگزیر مسئولیت نگهداری و حفاظت از خانواده بر عهده اش گذاشته شد. در این ایام رای تأمین معاش خانواده و گذران زندگی، به جامع هر کاری که به وی پیشنهاد می شد، تن ی داد. از آنچه که دیپلم ششم ابتدایی را داشت از خط و بوط نیکوبی نیز بهره مند بود. مشاغل بزمودن ادناه ای همچون کار در اداره کشاورزی، ازالوکاله یا دفتر دادگستری را تجربه کرد.

رسال ۱۳۲۳ تصمیم بزرگی گرفت و به همراه خانواده به مشهد مهاجرت کرد و در اداره فرهنگی به بخش کارگزینی انتقال یافت هم زمان توانست در سال ۱۳۲۸ دیپلم

نمی آیم.» در این موقع یک تکه نان سنگک که از شهر برای مردم آورده و قدری بیات شده بود برداشت و خالی خالی شروع کرد به خوردن و گفت، «این هم ناهمارمن، چون قصد دارم اجنس را که آوردند، داخل مسجد ببریم و بین مردم توزیع کنیم.»

این منظره ظالمانه را از دولت و ایادی سواکی آن زمان درباره ایشان و مراتب غربت و شهامت و محرومیت معظم را به چشم خود دیدم و بحمدنا... امروز هم می بینم که وجود چنین شخصیتی مبارز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به جای رسید که به ریاست جمهوری اسلامی ارتقا یافت و دو دوره با این سمت بالاکشور را بحمدنا... خوب اداره کرد و محبوب مردم گردیده است و بعد از وفات رهبرگیر، امام خمینی<sup>(۱)</sup>، اول شخصیت محبوب همه و شایسته ترین و مبارزترین و مقاوم ترین واولی ترین فرد نسبت به سایرین، جناب آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای است که به جانشینی رهبرگیر امام امت، به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران انتخاب می شوند.

رع شاگردی: ۱۳۶۸/۳/۱۸ هجری شمسی»

واجب است.

از دروازه که به سلامت گذشتند، مقابل مدرسه عوضیه (مسجد جامع قوچان) ستاد جمع‌آوری کمک‌ها با حضور آیت‌الله حاج سیفی از ساکنین شهر قوچان زندگی خود از دست دادند. مردم مشهد و متمکنین سازمان امنیت و دوسره نفر از خونهای سواکی هرمان و سایر شهرهای ایران کمک‌های نقدی غیرقدی به قوچان می فرستادند. مردم خیر ششهد و جمعیتی که تحت نظر جناب آقای خامنه‌ای توزیع شود. قال و گفت و گو درگرفت. آخوندهای اممانع می شدند. مردم جنس هارا پایاده می کردند و وارد مسجد می نمودند. در این موقع جناب آقای خامنه‌ای خسته و عصبانی وارد شبستان مسجد شد و گوشش مسجد روی کارتن‌های ناشست و از ظهر قدری گذشته بود. نزد آیت‌الله حاج شیخ ذبیح‌الله سفره ناهار پهن بود. به وسیله من از آقای خامنه‌ای دعوت شد که بفرمایید ناهار میل کنید. من توسط حاج آقای غنیان از مجرای ایشان پیغام شیخ ذبیح‌الله قوچانی را به ایشان رساندم. دیدم حضرت آقای خامنه‌ای با عصبانیت فرمودند: «می بینید! مرا به مسجد که خانه خداست راه نمی دهند و شما مرا به سر سفره ناهار دعوت می کنید؟ من

ماجرای یک نامه

مرحوم استاد شاکری آثار عالم شناخته شده خراسانی، را آماده انتشار کرد. استاد رمضانعلی شاکری در برھه‌ای از زندگی با مرحوم آیت‌الله آقانجفی قوچانی آشنایی داشت و به همین بهانه، سال‌های بعد به تصحیح آثار ارزشمند او پرداخت. پس از این آشنایی مدت‌ها بعد با یکی از آثار مرحوم آقانجفی با عنوان «سیاحت شرق» آشنا شد. او پس از متولدی کتاب را برای چاپ آماده ساخت و در سال ۱۳۴۹ خورشیدی نخستین چاپ این کتاب روانه بازار نشر شد. او بخشی از کتاب را که به بررسی تحولات مشروطه و مشروطه خواهی پرداخته بود، در این کتاب نیاورد. علت آن هم برخی کنایه‌های مؤلف به مخالفان مشروطه بود. تا اینکه پس از انقلاب و در شهریور سال ۱۳۶۵ خورشیدی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب که در آن زمان ریاست جمهوری ایران را بر عهده داشتنند، نوشته

حضرت حجت الاسلام والمسلمین  
جناب آقای سید علی خامنه‌ای  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دامت برکاته  
با اهدای سلام و تقدیم تحيات وافره

به قرار مسموع خاطر شریف مستحضر است که  
کتاب «سیاحت شرق یا زندگی نامه آقا نجفی قوچانی»  
-اعلیٰ... مقامه - را که به قلم آن مرحوم به یادگار مانده  
بود، حقیر تصحیح و تاکون به دونوبت چاپ و انتشار  
داده است. چون محتوای این کتاب عزیزبرادر محسون  
از حقیقت دینی و واقعی زمان تحصیل وی و آینه روشنی از  
وضع روحانیت آن روزگار تأویل بامسائل تربیتی و ترتیکی نفس  
می‌باشد. در عصر انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی  
که خوشبختانه بنیادهای درسی و تربیتی اسلامی به  
عنوانیں «جامعة الصادق» و «دانشگاه علوم اسلامی  
رضوی» و غیره در ایران و سایر ممالک اسلامی مطرح  
است، بسیار مردم توجه قرار گرفته و بالاخص نزد محققین  
خارجی و سایر کشورهای اسلامی مطالعه‌این کتاب تفییس  
وارجمندیه گونه‌ای است که نسخه‌های آن در شرک اتمام  
است و هم اکنون نیاز به چاپ سوم دارد. در چاپ سوم  
به صلاح و صواب دید جناب آقای دکتر حداد عادل نکات  
تربیتی آن در خور توجه است و به پیشنهاد ایشان بهتر  
آن است که رساله مستقلی در این زمینه برای طلب و  
دانشکده تربیت مدرس به رشتۀ تحریر درآید. با نظرات و  
یادداشت‌های شادروان علامه شهید مطهری که در ذیل  
جاو اول به قلم آن مرحوم محسن است که ان شاء الله...

برای سرلشکر محمد سعید ایزدی معروف به «حاج رمضان» که به دست رژیم صهیونیستی به شهادت رسید

## سنگربانی مقاومت در سکوت

منطقه می‌دانند که تحریم شدن، همیشه به معنای قوی بودن است: به ویژه وقتی

پشت آن، سال‌ها سکوت و کارآمدی کنده‌شده باشد. او متولد سقز که مانش از دل جنوب لبنان عبور می‌کند. او لایه‌های پیوسته ای از مقاومت دارد. جنگ که آغاز شد، نوجوانی اش را پشت می‌کند. «محمد سعید ایزدی» مرد جزیات است. نه فقط در طراحی و برنامه‌ریزی نظامی، بلکه در همان سال‌های اول، ناسخ انتخاب مسیرهای انتقال، آموزش نیروهای ثبت شد. کردستان، جنوب، غرب، خاطوطی که گاه شب‌ها با قدم‌های آرام او روشن می‌شدند. جوانی اش را برای حاکم وطن داد و جند ترکش به یادگار برداشت. در این‌جاگاه نفعی‌گفته بود، او مردی دانشگاه صنعتی خواجہ‌نصیر، مهندسی برمی‌گردید. هر بار در سوریه هدف همیشگی ایزدی بود اما آنقدر بزرگ نبود. هر بار در سوریه در قلب دمشق، حوالی کنسولگری ایران را بمباران می‌کند. گمان می‌برد حاج رمضان آنچه است: سال‌ها اشتباه می‌کند. بعد وقیع ترکه کنسولگری حمله می‌کند و باز حاج رمضان آنچا نیست. یزید کوکش فقط آبروی خودش را می‌برد و همچنان محل‌های رفت و امدهش را با مازیک‌های رنگی علامت می‌زند و امید دارد که یک آمریکا، نام حاج رمضان را به عنوان یکی از رهبران گروه‌های «توريستی» وارد شود. حاج رمضان نه فقط یک نظامی، بلکه مغز متفکر زیرساخت‌های مقاومت در منطقه است: تونل‌هایی که در غزه کنده می‌شود، خطوط ارتباطی‌ای که در جنوب لبنان مستقر می‌شود یا سامانه‌هایی که از زیر خاک، آسمان را نشانه می‌روند... همه

ردی از ادارن. حاج رمضان جلوتر از موشک، جلوتر از آتش و جلوتر از شهادت. مدت‌ها در سوریه فعالیت می‌کند. با مردم منطقه آشناست. راهه را می‌داند. هوای دمشق لایه‌هایی که شبانه را کشیده بودند را باقی نمی‌گذارند. آنقدر اساساً راهی از خودش باقی همیشه ایزدی بود. هر بار این‌جا نشینند: نه یک بار، نه دو بار بلکه سه بار هر بار هم تروریست‌ها حساب شده‌تر و دقیق‌تر از قبل به سراغش می‌آیند. هر بار مخبر تر و هر بار با سلاح‌های سینگین‌تر بالی همه را بازدید می‌کند. هر بار خالی بازمی‌گردد. همه اورا باتم «حاج رمضان»، می‌شناسند. اسرائیل به خون او تشبیه است: سال‌ها تلاش می‌کند و بنامه‌های این‌جا را به شهادت برساند. یک بار تویی سوریه و در قلب دمشق، حوالی کنسولگری ایران را بمباران می‌کند. گمان می‌برد حاج رمضان آنچه است: سال‌ها اشتباه می‌کند. بعد وقیع ترکه کنسولگری حمله می‌کند و باز حاج رمضان آنچا نیست. یزید کوکش فقط آبروی خودش را می‌برد و همچنان محل‌های رفت و امدهش را با مازیک‌های رنگی علامت می‌زند و امید دارد که یک آمریکا، نام حاج رمضان را به عنوان یکی از رهبران گروه‌های «توريستی» وارد شود. حاج رمضان نه فقط یک نظامی، بلکه مغز متفکر زیرساخت‌های مقاومت در منطقه است: تونل‌هایی که در غزه کنده می‌شود، خطوط ارتباطی‌ای که در جنوب لبنان طرح‌هایش، معادلات غرب برای منطقه را به هم ریزد. دنبال‌کنندگان سیاست



تصویری از دیدار سرلشکر پاسدار شهید حاج محمد سعید ایزدی (حاج رمضان) از فرماندهان نیروی امنیتی اسلامی با رهبر معظم انقلاب که سایه ایزدی در نهضتی روز از نجاح از رژیم صهیونیستی به شهادت رسید حضور دارد.



یکی از همین روزها، مردی که بالاخره موفق شده بود یک تاکسی اینترنتی بگیرد، پس از آنکه ماشین رسید و روی صندلی عقب نشست. برای به هم زدن جواهر و روی صندلی اصطلاح عمومی ناشی از شرایط جنگی، با مهربانی زاید الوصفی به راننده سلام کرد. راننده پاسخ سلام اور اراده و مشخصات و مخصوصات مقصود را با چک کرد و به راه افتاد. دقایقی بعد مرسی از تأثیر جواهرسنگ و اصطلاح عمومی ناشی از شرایط جنگی است. ناراحتی دیگر نیز دارد. چراکه برخلاف قابله راننده‌گان تاکسی‌کار، اعم از جعلی و گردشی و درستی و اینترنتی که از بد و جلوس مسافر به تحمل اوضاع سیاسی و راهه هاچهارهایی برای برون رفت از بحران‌های داخلی و خارجی و همچنین گزینه‌هایی برای ادامه جنگ و نیز

## حکایت راننده ساکت



راهکارهایی برای صلح می‌پردازند. در سکوت کامل مشغول راننده‌گی است. مرد مسافر که کمک حوصله‌اش سر رفته بود، نخست تضمیم گرفت خودش سر صحبت را بازکند. اما با خود گفتوگو شاید وی ناراحتی یا مشکل شخصی دارد که فکر کش را به خود مشغول کرده است و با خود آن دنیشیده که پهنه است رشته اکارا را را بهار نکند و کمک دیگر صیرکد تا راننده خودش را بازگرداند. اما رهجه صیرکرده راننده سکوت را نشکست. مرد فکر نمی‌کردم بایه صد اکاردن کوچولوین قدر بروز رفت از وضع کنونی اندیشید.



## ققنوس در شیشه‌های پیداست

ساختمان شیشه‌ای صداوسیما که یکی از آثار باشکوه معماری معاصر در کشورمان شمرده می‌شود، ۲۶ خرداد مورد تجاوز و حمله رژیم صهیونی قرار گرفت. با این همه بیش از همیشه شد مرکز توجهات و به صورت نمادین مکانی برای بپایی شور و هم‌دلی ملی، مصادقش هم سرود، ای ایران، است که با همراهی گروه ارکستر برای نهضتین بار در محل صداوسیما اجرا و به صورت زنده از ویژه برنامه «ققنوس» پخش شد. بزم‌نامه‌ای که این ایام هر شب در مقابل ساختمان شیشه‌ای با حضور چهره‌ها و افراد شناخته شده کشورمان پخش می‌شود.

حال و زیره و شوره‌سازی خبر از طراحی و معما را مجدد این تداهده و اعلام کرده طی یک مسابقه نیز این‌ملکی ساختمان شیشه‌ای احیا خواهد شد. همچنین پیمان جلی رئیس سازمان صداوسیما گفته است بخش از تغییرات های صورت گرفته در اثر حمله موشکی رژیم صهیونیست در بازسازی این بنا به عنوان یادمان از این جنگ حفظ و نگهداری خواهد شد.

حال خوب است بدانیم که معمار ساختمان شیشه‌ای چه کسی است و قدمت این بنای چه زمانی بازمی‌گردد؟ ساختمان شیشه‌ای صداوسیما، اثر بر جسته محروم عبد العزیز فرمانفرمانیان، یکی از نمادهای معماری ایران است که در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی طراحی و ساخته شد. این ساختمان با فرم مکعبی و نمای شیشه‌ای گستردگی از معماری مدرن می‌نماید در ایران است. همچنین هدف اصلی از نوع طراحی ساختمان شیشه‌ای صداوسیما، «شفافیت» بوده است: شفافیت که نه تنها در فرم فیزیکی، بلکه در مفهوم رسانه‌ای نیز بروز و ظهور داشته باشد. از جمله آثار شاخص فرم‌افرمایانی می‌توان به معماري ورزشگاه آزادی، فروگاه همراهی، مسجد دانشگاه قهران، کاخ تیوان و موزه فرش تهران اشاره کرد. هرمندی که در خردادر ۱۳۹۲ در یاریس درگذشت و در مدت حیاتش در خارج از کشور هیچ وقت داشت و دلش به کار نرفت و اثری خلق نکرد.



عقاید اسرائیل پس از حمله به ایران



موسعود شجاعی طباطبائی

